

■ انیما احمد پور
رضاخان به رغم بی‌بهرگی از دانش و نگاه فرهنگی، مأموریت داشت تا سنسن بومی و دینی را تخریب و بستر و واردات آن را فراهم سازد. دو نهاد فرهنگستان فروغی و پرورش افکار متین دفتری نمونه‌هایی از تحکات فزاق در این حوزه به شمار می‌روند. در مقالی که در پی می‌آید، این دو تجربه مورد خواش قرار گرفته‌اند. امید آنکه مقبول آید.

■ ■ ■

■ پیشینه تأسیس نهاد فرهنگستان

تاریخچه تأسیس فرهنگستان به دوره رضاخان برمی‌گردد، او در زمانی که سردار سپه بود، در وزارت جنگ انجمنی را ایجاد کرد تا برای اصطلاحات نظامی معادل فارسی پیدا کنند. نخستین کسانی که عضو این انجمن بودند عبارت بودند از: ذبیح‌الله بهروز، حبیب‌الله توخت، سرهنگ ریاضی، دبیر اعظم بهرامی و سرهنگ احمد نخجوان که واژه‌هایی چون ارتش و بزرگ ارتشاران را سکه زدند. هنگامی که رضاشاه به سلطنت رسید، در سال ۱۳۰۸ دستور داد تا بلوهای تمام فروشگاه‌هایی را که به خطی غیر از فارسی نوشته شده بودند، جمع آوری کنند. هنگامی که محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) در سال ۱۳۱۴ برای بار دوم نخست‌وزیر شد، دستور تشکیل فرهنگستان را صادر کرد. ایراهیم صفایی در کتاب «رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران» می‌نویسد رضاشاه زبان فارسی را یکی از عناصر اصلی وحدت ملی می‌دانست و به همین دلیل به زدودن واژه‌های بیگانه از زبان فارسی سخت علاقه داشت. او در این کار دو هدف اساسی داشت. یکی اینکه دلش می‌خواست زبان فارسی پیراسته شده، ادبیات و هنر ایران نوین را بیافریند و دیگری اینکه زبان همزمان با پیشرفت‌های اجتماعی تکامل پیدا کند و نو شود.

میرزا علی اصغر خان حکمت هم در کتاب خاطرات خود درباره تأسیس فرهنگستان می‌گوید: رضاشاه همواره تأکید می‌کرد مؤسسات باید نام ایرانی داشته باشند، مخصوصاً روی این نکته اصرار داشت که اصطلاحات عربی به فارسی تبدیل شوند. او می‌گوید ابتدا در وزارت جنگ عده‌ای جمع شدند تا برای اصطلاحات نظامی واژه‌هایی را ابداع کنند، اما حکمت به رضاشاه گزارش می‌دهد که بهتر است برای انجام این کار یک فرهنگستان ایجاد شود و به جای واژه‌های ثقیل و نامطلوب واژه‌های جدیدی وضع شوند. از آنجا که فروغی ابداع آشنگی ادبی دل خوشی نداشت و از اینکه هر کسی به دلخواه خود لغت سه می‌زد ناراضی بود، از این پیشنهاد حکمت پشتیبانی می‌کند. رضاخان هم با این پیشنهاد موافقت می‌کند و در نتیجه ۳۰ استاد لغت‌شناس برجسته ادبیات فارسی گرد هم می‌آیند و فرهنگستان شروع به فعالیت می‌کند.

■ چندوچون نهاد فرهنگستان

اولین جلسه فرهنگستان در روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ در عمارت سابق دانشکده حقوق به ریاست محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) نخست‌وزیر وقت تشکیل شد و تا شهریور ۱۳۲۰ به مدت شش سال به فعالیت پرداخت. در این مدت طرح‌های تازه‌ای در زمینه زبان و ادبیات ریخته شد و تعدادی اصطلاحات فنی علمی به‌وسیله فرهنگستان شناخته و ترویج و مجموعه‌ای از این واژه‌ها تحت «واژه‌های نو» منتشر شد. پس از تأیید تأسیس فرهنگستان از سوی رضاشاه، علی اصغر خان حکمت کمیسیونی را تشکیل می‌دهد تا مقدمات تأسیس فرهنگستان را فراهم کنند. ادبا و دانشمندان برجسته‌ای چون عبدالعظیم‌خان قریب، بدیع‌الزمان فروزافر، محمود حسایی، و رضاده شفیق، عیسی صدیق، علی اکبر دخدخا، ولی‌الله نصر، حسین سمعی، سیدمحمد فاطمی، حسن وثوقی، حسن اسفندیاری، علی اصغر حکمت، حسین گل‌گلاب، علی پروتاعظم، سعید نصرالله تقوی، ملک‌الشعرای بهار، سعید نفیسی، سید کاظم عصار، رشید یاسمی، سرتپ نخجوان و سرهنگ مقنن‌در از جمله اولین اعضای فرهنگستان بودند. پس از مدتی قاسم غنی، عباس اقبال، پسر دادوود، احمد کرمانی، محمد حجازی، مسعود کیهان و سیدمحمد تدین نیز به این جمع افزوده شدند. دبیری انجمن نیز به عهده رعدی آذر خشی بود.

فرهنگستان در طول شش سال فعالیت خود منشأ تحکات

فراوانی در حوزه زبان و ادبیات فارسی بود و واژه‌گذاری‌های متعددی را انجام داد. رؤسای فرهنگستان در طول این

مدت عبارت بودند از: محمدعلی فروغی، حسین سمعی، حسن وثوق، علی اصغر حکمت و اسماعیل مرآت.

در میان اهدافی که در اساسنامه فرهنگستان آمده است به این موارد برمی‌خوریم. فرهنگستان موظف استست واژه‌های نامتناسب بیگانه را از زبان فارسی بزاید. دستور زبان فارسی را تدوین و برای وضع کلمات جدید قواعدی را تعیین کند. از وظایف فرهنگستان تشویق شعرا و نویسندگان به خلق شاهکارهای ادبی و ترجمه آثار سودهند خارجی به فارسی است. همچنین اصلاح خط فارسی نیز به عهده فرهنگستان گذاشته‌شد اما فرهنگستان در عمل تنها به واژه‌سازی پرداخت و با اینکه با مدد گرفتن از ادبای زبان فارسی در این زمینه گام‌هایی نیز برداشت، اما گاهی هم واژه‌هایی که وضع می‌کرد، مطلوبیت عامه پیدانمی‌کردند و حتی مورد استسپزای مردم هم قرار می‌گرفتند. مردم با ذوق حتی گاهی خود لغت می‌ساختند و بر سر زبان‌ها می‌انداختند! کار به جایی رسید که فرهنگستان ناگزیر بخشنامه‌ای را صادر و به تمام مؤسسات و نشریات اعلام کرد تنها واژه‌هایی که به صورت رسمی توسط دبیرخانه فرهنگستان منتشر می‌شوند، رسمیت دارند و اگر اشخاص دیگری واژه‌سازی و بدون اجازه رسمی چاپ کنند، توسط فرهنگستان تأیید نخواهد شد.

■ افراط در فارسی‌سازی واژه‌ها

در آیین نامه فرهنگستان برای ایجاد کمیسیون جغرافیابندی ذکر نشده بود، اما محمدعلی فروغی در همان جلسات اولیه فرهنگستان تشکیل کمیسیون ویژه‌ای را برای مطالعه در واژه‌های جغرافیایی و تبدیل نام‌های بیگانه مکان‌های ایرانی به فارسی را پیشنهاد داد و این کمیسیون با حضور ملک‌الشعرای بهار، سعید نفیسی، رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزافر و حسین گل‌گلاب تشکیل شد. این کمیسیون مقرر داشت چنانچه امکانی اسامی تاریخی مطلوبی داشتند، آن اسامی احیا شوند.

نکنه دیگر این بود که واژه‌های ترکی یا عربی طوایف و عشایر ایران بلافاصله به فارسی به برگردانده شوند. فرهنگستان ابتدا برخی از اسامی جغرافیایی خوزستان و آذربایجان را تغییر داد. با این همه فرهنگستان با اینکه از امکانات فراوانی برخوردار بود، هیچ‌گاه به وظایفی غیر از واژه‌سازی و معادل‌گذاری نپرداخت و در مقطعی به دلیل افراط در فارسی‌سازی واژه‌ها و بی‌توجهی به نیازهای واقعی جامعه و ساختارهای فرهنگی نتوانست برخی از واژه‌های ابداعی خود را در میان مردم جا بیندازد. فرهنگستان در ابتداء دانش و تجربه اساتید بلندپایه ادب فارسی بهره جست و به همین دلیل تاحدی در کار خود پیشرفت داشت، اما به تدریج با کناره‌گیری برخی از آنان و ممانعت از بحث و انتقاد درباره مصوبات فرهنگستان کیفیت کار آن کاهش یافت و بسر انجام به کلی از مضمون اصلی فرهنگ و ادب ایران بیگانه شد. یکی از اشکالات فرهنگستان عدم اثبات مدیریت پی آن بود، به‌طوری که عمر کاری بعضی از رؤسای فرهنگستان چهار یا شش ماه بود. به نظر می‌رسد این عدم ثبات به شکست انجامید. علت را باید همه‌نهادها، از جمله‌نهادهای فرهنگی و تأثیر سیاست بر حوزه فرهنگ بوده است.

■ تحکم ادبی

فرهنگستان با این ادعا که می‌تواند ابزاری کارآمد در حوزه فرهنگ و تقویت زبان فارسی – که یکی از پایه‌های اصلی وحدت ملی است- تبدیل شود، مانند بسیاری از نهادهای فرهنگی دوره رضاشاه توفیق به دست نیآورد و فعالیت‌هایش نهایتاً به شکست انجامید. علت را باید در استفاده از تحکم و وجه آمرا نه مسائل جست‌وجو کرد، زیرا موضوع فرهنگ اساساً با حکم و امر تحقق‌پذیر نیست. متأسفانه در هیچ یک از اصلاحات اجتماعی و فرهنگی نظر مردم پرسیده نمی‌شد و حکومت سعی می‌کرد به صورت آمرانه و بالا به پایین برنامه‌های خود را تحمیل کند که البته هرگز از سوی جامعه بازخورد مناسبی دریافت نمی‌کرد. سازمان پرورش افکار در می‌توان فرزند فرهنگستان دانست. رژیم رضاشاه در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷ چندین تجربه فرهنگی و اجتماعی را بدون توجه به فرهنگ جامعه و گرایش‌های مردم امتحان کرد و به نتیجه نرسید. رضاشاه در زمینه فرهنگ هم سعی کرد با توسل به بخشنامه‌های حکومتی ذائقه‌ها و سلیقه‌های حاکم بر فرهنگ جامعه را تغییر دهد و با افراط‌گرایی و استفاده از زور و گاهی هم اعمال خشونت در گرایش‌ها و باورهای مردم تغییر ایجاد کند، غافل از اینکه تغییرات فرهنگی با زور و تحمیل تناسبی ندارند و جامعه در قبال اعمال خشونت در زمینه فرهنگ واکنش نشان می‌دهد.

■ روی آوردن به «پرورش افکار» پس از شکست فرهنگستان

رضاشاه پس از شکست در برنامه‌های فرهنگی، مخصوصاً فرهنگستان تغییر روش می‌دهد و سعی می‌کند با ایجاد سازمان پرورش افکار با شیوهای جدید



فرهنگستان فروغی و پرورش افکار متین دفتری به مثابه دو تجربه ناکام رضاخانی

ستیز با بوم فرهنگی یا فرهنگ بومی

به اهداف خود برسد. حضور رجال فرهنگی و سیاسی جدید در دستگاه حکومتی رضاشاه بی‌تردید در این رویکرد مؤثر بوده است. مهم‌ترین فسرّد در بین این گروه احمد متین دفتری است که در رشته حقوق و در مدرسه آلمانی‌ها تحصیل کرد و به پنج زبان فارسی، عربی، آلمانی، فرانسه و انگلیسی مسلط بود. او دکترای حقوق خود را در ژنو گرفت و زمانی که به ایران برگشت، به مدت پنج سال معاون علی‌اکبر داور بود و پس از آنکه داور خود کشتی کرد، به جای او وزیر دادگستری شد. او یک سال هم نخست‌وزیر رضاشاه بود. پایه‌گذاری فرهنگستان پرورش افکار در واقع ایده متین دفتری بود. او می‌دانست بقای رضاشاه منوط است به تکیه بر نهادهای جدید مدنی. او برخلاف بسیاری از رجال سیاسی دوره رضاشاه هم مفاهیمی چون وحدت ملی، ملت، دولت و حاکمیت ملی را خوب می‌فهمید و با تحولات اجتماعی و سیاسی دنیا نیز به‌خوبی آشنایی داشت. او در خاطر اتش ذکر می‌کند که او فکر تشکیل سازمان پرورش افکار را به رضاشاه تلقین کرد و آن را مقدمه‌ای برای تشکیل حزبی چون حزب خلق ترکیه قرار داد. او در این راستا موافقت رضاشاه را برای تأسیس رادپو جلب می‌کند، در حالی که رضاشاه پیش از آن با این کار مخالفت می‌کرد. همچنین او وسایل فنی لازم برای بهبود مطبوعات را فراهم آورد و حتی برای روزنامه‌نگاری مدرسه خاصی را تأسیس کرد. همچنین برای بالا بردن سطح تئاتر و نمایش که به قول او برای تربیت یک ملت مکتب بزرگی است، یک مدرسه آموزش هنر پیشگی دایر کرد. رضاشاه که با حمایت نیروهای نظامی و در مقطعی به پشتیبانی عده‌ای از وکلای مجلس به قدرت رسیده بود، از آنجا که نه جزو اشراف به حساب می‌آمد و نه روشنفکر بود، برای استعمار حاکمیت خود ناچار بود خود را با یکی از این طبقات ضمیمه کند، به همین دلیل برای ازدواج سومش یکی از شاهزاده‌های قجری را انتخاب کرد. بعد هم با تصرف ملک و املاک افراد در اقصی نقاط کشور جزو ملاکین بزرگ شد. او حتی روشنفکران را هم در بخش‌هایی از حکومت خود به کار گرفت، ولی از آنجا که علاقه زیادی به استفاده از زور و خشونت و ایجاد رعب و وحشت داشت، به‌تدریج افراد از اطرافش برکنده شدند و عده زیادی هم به دلایل موهوم به دست حکومت رضاخانی کشته شدند و از بین رفتند.

به این ترتیب پایه‌های لرزان حکومت رضاخان کاملاً سست شدند و همزمان با ورود متفقین به ایران در سپهتبر سال ۱۳۲۰، سنستی حکومت وی آشکار شد. **■ تصور اولیه متین دفتری از تأسیس سازمان پرورش افکار**

متین دفتری در خاطراتش سازمان پرورش افکار را مقدمه حزبی چون حزب خلق ترکیه می‌داند که توسط آتاتورک تأسیس شد. حزب خلق ترکیه متشکل از روشنفکران آن کشور بود که با حمایت از آتاتورک امکان انجام اصلاحات و استعمار آنها را برای افرام هم می‌کردند.

به اهداف خود برسد. حضور رجال فرهنگی و سیاسی جدید در دستگاه حکومتی رضاشاه بی‌تردید در این رویکرد مؤثر بوده است. مهم‌ترین فسرّد در بین این گروه احمد متین دفتری است که در رشته حقوق و در مدرسه آلمانی‌ها تحصیل کرد و به پنج زبان فارسی، عربی، آلمانی، فرانسه و انگلیسی مسلط بود. او دکترای حقوق خود را در ژنو گرفت و زمانی که به ایران برگشت، به مدت پنج سال معاون علی‌اکبر داور بود و پس از آنکه داور خود کشتی کرد، به جای او وزیر دادگستری شد. او یک سال هم نخست‌وزیر رضاشاه بود. پایه‌گذاری فرهنگستان پرورش افکار در واقع ایده متین دفتری بود. او می‌دانست بقای رضاشاه منوط است به تکیه بر نهادهای جدید مدنی. او برخلاف بسیاری از رجال سیاسی دوره رضاشاه هم مفاهیمی چون وحدت ملی، ملت، دولت و حاکمیت ملی را خوب می‌فهمید و با تحولات اجتماعی و سیاسی دنیا نیز به‌خوبی آشنایی داشت. او در خاطر اتش ذکر می‌کند که او فکر تشکیل سازمان پرورش افکار را به رضاشاه تلقین کرد و آن را مقدمه‌ای برای تشکیل حزبی چون حزب خلق ترکیه قرار داد. او در این راستا موافقت رضاشاه را برای تأسیس رادپو جلب می‌کند، در حالی که رضاشاه پیش از آن با این کار مخالفت می‌کرد. همچنین او وسایل فنی لازم برای بهبود مطبوعات را فراهم آورد و حتی برای روزنامه‌نگاری مدرسه خاصی را تأسیس کرد. همچنین برای بالا بردن سطح تئاتر و نمایش که به قول او برای تربیت یک ملت مکتب بزرگی است، یک مدرسه آموزش هنر پیشگی دایر کرد. رضاشاه که با حمایت نیروهای نظامی و در مقطعی به پشتیبانی عده‌ای از وکلای مجلس به قدرت رسیده بود، از آنجا که نه جزو اشراف به حساب می‌آمد و نه روشنفکر بود، برای استعمار حاکمیت خود ناچار بود خود را با یکی از این طبقات ضمیمه کند، به همین دلیل برای ازدواج سومش یکی از شاهزاده‌های قجری را انتخاب کرد. بعد هم با تصرف ملک و املاک افراد در اقصی نقاط کشور جزو ملاکین بزرگ شد. او حتی روشنفکران را هم در بخش‌هایی از حکومت خود به کار گرفت، ولی از آنجا که علاقه زیادی به استفاده از زور و خشونت و ایجاد رعب و وحشت داشت، به‌تدریج افراد از اطرافش برکنده شدند و عده زیادی هم به دلایل موهوم به دست حکومت رضاخانی کشته شدند و از بین رفتند.

به این ترتیب پایه‌های لرزان حکومت رضاخان کاملاً سست شدند و همزمان با ورود متفقین به ایران در سپهتبر سال ۱۳۲۰، سنستی حکومت وی آشکار شد. **■ تصور اولیه متین دفتری از تأسیس سازمان پرورش افکار**

متین دفتری در خاطراتش سازمان پرورش افکار را مقدمه حزبی چون حزب خلق ترکیه می‌داند که توسط آتاتورک تأسیس شد. حزب خلق ترکیه متشکل از روشنفکران آن کشور بود که با حمایت از آتاتورک امکان انجام اصلاحات و استعمار آنها را برای افرام هم می‌کردند.

متین دفتری در خاطراتش سازمان پرورش افکار را مقدمه حزبی چون حزب خلق ترکیه می‌داند که توسط آتاتورک تأسیس شد. حزب خلق ترکیه متشکل از روشنفکران آن کشور بود که با حمایت از آتاتورک امکان انجام اصلاحات و استعمار آنها را برای افرام هم می‌کردند.



۶

مهم‌ترین فرد در سازمان پرورش افکار احمد متین دفتری است که در رشته حقوق و در مدرسه آلمانی‌ها تحصیل کرد و به پنج زبان فارسی، عربی، آلمانی، فرانسه و انگلیسی مسلط بود. او دکترای حقوق خود را در ژنو گرفت و زمانی که به ایران برگشت، به مدت پنج سال معاون علی‌اکبر داور بود و پس از آنکه داور خودکشی کرد، به جای او وزیر دادگستری شد

محمدعلی فروغی در حالشبه یکی از مراسم‌های سلام‌دادن در دوران حاکمیت رضاخان

پیش‌خواب

گذری بر خاطرات فرهنگی – اجتماعی و سیاسی زنده‌یاد داریوش اسدزاده

روز و شب «تماشاخانه تهران»

■ محمدرضا کائینی



زنده‌یاد داریوش اسدزاده در زمره آن طیف از چهره‌های هنری بود که خاطرات فرهنگی اجتماعی و سیاسی فراوان داشت. یکی از آثاری که

تا حدودی توانسته است این یادمان‌ها را منعکس کند، اثر تاریخی- روایی «تماشاخانه تهران» است که محصول گفت و شنودی است که غلامحسین دولت‌آبادی و اعظم کیان‌افراز با وی انجام داده‌اند. در دیباچه این اثر، در باب اهمیت آنچه در این مجموعه گفت و شنودها مطرح گشته، چنین آمده است:

«با تلاش و ابتکار سید علی نصر در زمستان ۱۳۱۷ کمیسیون نمایشی در کنار سایر کمیسیون‌های سازمان تازه تأسیس پرورش افکار موجودیت یافت و به این ترتیب برای نخستین بار هنر تئاتر از جانب دولتمردان جامعه باید به ایجاد زیرساخت‌های مناسب اجتماعی و رفاهی از تقای فرهنگ جامعه می‌داند و معتقد است باید از تندروی‌ها پرهیز کرد و برای ایجاد دگرگونی در جامعه باید به ایجاد زیرساخت‌های مناسب اجتماعی پرداخت. او برای نیل به این هدف از تمام وسایل ارتباط جمعی دوره خود استفاده می‌کند و حتی به وسایل ارتباطی قدیمی هم نگاهی نو دارد. در هر حال تأسیس سازمان پرورش افکار برپوششکته‌های اجتماعی دوره رضاشاه و ظهور سیاستمدارانی چون متین‌دفتری است. سازمان پرورش افکار در هشتم‌دی ماه سال ۱۳۱۷ در ریاست متین‌دفتری، وزیر دادگستری تأسیس شد. در بین نخستین همکاران متین‌دفتری در

این سازمان به اسامی افرادی چون بدیع‌الزمان فروزافر، اسماعیل مرآت، قاسم غنی، مظفر اعلم، رشید یاسمی، امیر خسروی، صدیق اعلم، عیسی صدیق، شایگان، آشتیانی و ادیب برمی‌خوریم. این سازمان دارای شش کمیسیون بود که عبارت بودند از:

- کمیسیون کتب درسی با ریاست غلامحسین زهنما
- کمیسیون نمایش به ریاست میرسیدعلی‌خان نصر
- کمیسیون موسیقی به ریاست سر سرگرد غلامحسین مین‌باشیان

- کمیسیون رادپو به ریاست امیر خسروی
- کمیسیون سخنرانی به ریاست مظفر اعلم
- کمیسیون اوقاف، مردم‌شناسی، پرورش افکار،

سازمان پرورش افکار از ۱۸ دی تا اوایل بهمن سال ۱۳۱۷ با حضور مسئولان فرهنگی سراسر کشور به مشاوره و رازینی پرداخت و شرکت کنندگان در ۹ کمیسیون اوقاف، مردم‌شناسی، پرورش افکار، سالمندان، ساختمان، تربیت بدنی، باستان‌شناسی، امور اداری و برنامه‌ها و مقررات به‌گفت‌وگو و تبادل نظر پرداختند و این سازمان رسماً کار خود را آغاز کرد. در این سازمان سازمان پرورش افکار اشاره شده است که این سازمان برای پرورش افکار عمومی تأسیس شده است که تعریفی کلاماً مبهم است و فقط نشان می‌دهد حاکمیت می‌خواهد افکار عمومی را به سمت و سوی مورد نظر خود هدایت کند. شاید از اساسنامه کمیسیون کتب کلاسیک بهتر بتوان به اهداف سازمان پرورش افکار پی برد. در بند دوازدهم این اساسنامه ذکر شده است که کمیسیون موظف است کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها را اصلاح کند و افکار شاه‌پرستی و میهن‌دوستی را در آنها جای دهد. بدین ترتیب معنی هدایت افکار عمومی روشن‌تر می‌شود.

متین دفتری، وزیر دادگستری رضاشاه، بنیانگذار سازمان پرورش افکار و همواره شخصیت تأثیرگذار این سازمان بود. او با وجود دانش فراوانی که نسبت به تحولات جهان داشت، نتوانست سازمان را به اهدافی که به خاطرشان تأسیس شده بود برساند.

متین دفتری، وزیر دادگستری رضاشاه، بنیانگذار سازمان پرورش افکار و همواره شخصیت تأثیرگذار این سازمان بود. او با وجود دانش فراوانی که نسبت به تحولات جهان داشت، نتوانست سازمان را به اهدافی که به خاطرشان تأسیس شده بود برساند.

متین دفتری، وزیر دادگستری رضاشاه، بنیانگذار سازمان پرورش افکار و همواره شخصیت تأثیرگذار این سازمان بود. او با وجود دانش فراوانی که نسبت به تحولات جهان داشت، نتوانست سازمان را به اهدافی که به خاطرشان تأسیس شده بود برساند.



زنده‌یاد داریوش اسدزاده در منزل شخصی

تماشاخانه تهران را بر عهده گرفتند ولی با تغییر فضای سیاسی و فکری جامعه و البته خالی شدن این تئاتر از هنرمندان قدیمی خود کم‌کم دوران افول این تماشاخانه آغاز شد و در اواخر دهه ۳۰ رسماً آغازگر دوره‌ای موسوم به آترکسیون شد که لطمه جدی به حیثیت این تماشاخانه و اعتبار تئاتر وارد آورد. در این دوران دیگر از تئاتر و اهداف والای نصر خبری نبود و هر چه که به هدف او رسید، آواز، شعیده‌بازی و آکروبات، جای تئاتر را گرفت و پول کمی هم عاید تماشاخانه و مسئولانش نکرد. این تماشاخانه با مرگ نصر در سال ۱۳۴۰ به تئاتر نصر تغییر نام و تا سال ۱۳۵۷ به فعالیت خود ادامه داد.»

کمال‌شهرزاد بود. در سال ۱۳۱۵ ساخت سالن موسوم به «اپرا» در خیابان علاءالدوله آغاز و مدتی بعد نیمه‌کاره رها شد. این سالن بعد از سفر رضاشاه به ترکیه و با الگوبرداری از سالن اپرای آن کشور در دستور ساخت قرار گرفت.

علی در یابیگی تحصیلکرده تئاتر و سینما در آلمان قرار بود مسئولیت هنری این سالن را بر عهده بگیرد. اما ساخت این سالن هیچ‌گاه به اتمام نرسید و به پنهان‌سنست بودن پی ساختمان از ادامه کار جلوگیری به عمل آمد و در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هر چه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم توش و توان رو به تعطیلی رفت. اما در یابیگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت، ناکام کرد.